

دو فصل نامه علمی-تخصصی معارف علوم اسلامی و علوم انسانی

شماره هفتم، زمستان ۱۴۰۰، ص ۲۲-۵۳

نظم و انتظام از منظر آیات و روایات^۱

هاشم مجتهدی^۲

چکیده

هستی عالم بر پایه نظم استوار شده است؛ هر پدیده ای در دستگاه آفرینش جای خاصی دارد، نقش ویژه ای را عهده دار است؛ کرات آسمانی با سرعتی حساب شده و دقیق، در مدار معینی حرکت می کنند، فصل های سال و شب و روز با نظم شگفت آوری پشت سر هم می آیند و هر چیزی به اندازه و کیفیت مناسبی آفریده شده. خداوند می فرماید: انا کلّ شیءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ (قمر، ۴۹) ما همه چیز را به اندازه آفریدیم.

نظم شگفت آور عالم هستی که هر اندیشمند را به حیرت می آورد، معلول تدبیر خداوند مدبّر و حکیم است؛ خدای حکیم و توانایی که نظم را در دستگاه پهناور و عظیم آفرینش مقرر داشته است، در زندگی فردی انسان و روابط اجتماعی او نیز آن را می پذیرد. قرآن کریم، علاوه بر تشریح چگونگی نظم حاکم بر جهان و استناد آن به وجود آفریننده ای دانا و حکیم، حاوی فرمان های و برنامه های انسان ساز برای بندگان خدا و اجتماع بشری در جهت نظم بخشیدن و سامان دادن به افکار، اعتقادات، گفتار و کردارشان است.

امیر مؤمنان صلوات الله علیه در این باره می فرماید: أَلَا إِنَّ فِيهِ عِلْمَ مَا يَأْتِي وَالْحَدِيثَ عَنِ الْمَاضِي وَدَوَاءَ دَائِكُمْ وَنَظْمَ مَا بَيْنَكُمْ؛ همانا در قرآن، دانش آینده، اخبار گذشته، داروی درد شما و [آیین] نظم و انضباط میان شما، نهفته است (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۷، ص ۴۹۹).

تمامی آیاتی که در مورد قوانین و مقررات حاکم بر فرد و جامعه اسلامی نازل شده است، ایجادکننده نظم و انضباط در زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان است. این آیات نشانگر این است که اسلام همواره پیروان خویش را به دارا بودن یک برنامه صحیح و منظم دعوت می شود و از آنان می خواهد که به اصول و موازین دین پایبند بوده، طبق برنامه ای که خداوند برایشان تنظیم کرده، زندگی کنند.

کلید واژه: نظم و انتظام، آیات، روایات.

^۱ - تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۷

^۲ - دانش آموخته سطح چهار حوزه علمیه قم، (mojtahedi.h.yahoo.com)

مقدمه

بدون تردید، برهان نظم یکی از مداول‌ترین دلایلی است که بر وجود خدا اقامه شده. این برهان نیز مثل بعضی از براهین اثبات وجود خدا، تاریخی به بلندی عمر آدمی دارد. انسان‌ها از قدیم‌الایام با مشاهده پدیده‌های منظم و هماهنگ به این فکر افتادند که این نظم و هماهنگی موجودات، معلول چیست؟ آیا خود اجزاء با همکاری یکدیگر این نظم را پدید آورده‌اند یا این که ناظمی حکیم و با تدبیر، این اجزاء را با چنان دقت منظم کرده؟ انسان بر اثر تأمل و تعمق در ساختار موجودات این نتیجه را می‌گیرد که ناظمی حکیمی، چنین ساختار منظمی را پدید آورده و به گفتاری این مجموعه‌های منظم نشانه‌های تفکری است که ما را به سمت خدا راهنمایی می‌کند چنانچه امیرالمؤمنین علی‌علیه السلام می‌فرمایند: این خداست که با نشانه‌های تدبیر که در آفریدگانش دیده می‌شود، بر عقل‌ها آشکار شده است. *ظهر فی العقول بما یری فی خلقه من علامات التدبیر. (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۲؛ اصول کافی، ج ۱، ص ۱۴۱)*

مولفه‌ی اول: عالم طبیعت، پدیده‌ای منظم است یا این که در عالم طبیعت، پدیده‌های منظم وجود دارد.

مولفه‌ی دوم: بر اساس بدهت عقلی هر نظمی از ناظم حکیم برخاسته که بر اساس آگاهی و علم خویش، اجزاء پدیده منظم را با هماهنگی و آرایش خاصی برای وصول به هدف مشخصی در کنار هم قرارداده و آن را بر اساس طرح حکیمان‌های منظم ساخته.

بنابراین عالم طبیعت که پدیده‌ای منظم است ناظم حکیم و دانا که خدا نام دارد، آن را تدبیر کرده.

در قرآن و روایات معصومین علیهم السلام، مخصوصاً در تعبیرهای امیرالمؤمنین علی‌علیه السلام به این برهان اشاره شده.

اولیای بزرگوار اسلام، رعایت نظم و انضباط در کارها را از جمله مهم‌ترین مسائل در زندگی انسان برشمرده، آن را مورد تأکید قرار داده اند.

علی‌علیه السلام در ضمن وصیتنامه‌ی خطاب به دو فرزند بزرگوارش امام حسن و امام حسین علیهما السلام می‌فرماید:

(*أَوْصِيكُمْ وَ جَمِيعَ وُلْدِي وَ أَهْلِي وَ مَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي بِتَقْوَى اللَّهِ وَ نَظْمِ أَمْرِكُمْ*)

شما و همه فرزندانم و هر کس که نامه ام بدو رسد، به ترس از خدا و نظم در کارهایتان، سفارش می‌کنم. (نهج ابلاغه، نامه ۴۷، ص ۹۷۷).

امام خمینی قدس سره نظم را از واجبات الهی دانسته، می‌فرماید:

(و البته باید همه امور بر نظام و نظم باشد، .. حفظ نظم از واجبات الهی است)

از سوی دیگر، نگاهی گذرا به حجم انبوه کتابهای قوانین و مقررات و سرمایه گذاری عظیمی که در امر قانونگذاری و تنظیم و اجرای آن شده و می شود و اهمیتی که ملتهای جهان به اجرای نظم و قانون در کارهای خود می دهند، ضرورت نظم و انضباط در زندگی فردی و اجتماعی بشر را بیش از پیش آشکار می سازد. (صحیفه‌ی نور، ج ۱۳، ص ۱۵)

بیان مسئله

بی‌نظمی باعث از دست رفتن فرصت‌های گران‌بها و طلایی می‌گردد و افراد در عمل ناکام می‌مانند و انسان بی‌نظم به دلیل سستی و تنبلی در بهره‌گیری از فرصت‌های عمر خود را به بطالت از دست می‌دهد و بی‌نظمی موجب پیشمانی و حسرت شده و به همان اندازه که نظم مایه‌ی استحکام و انسجام و احتیاط در عمل می‌گردد بی‌نظمی، مایه‌ی سستی و کوتاهی در عمل است و کسی که از سستی اطاعت می‌کند حقوق خود و افراد جامعه را تباه می‌سازد.

هر چیزی را در زندگی باید رشد داد و نظم هم یکی از نیازهای افراد و جامعه است که همگان باید در پرورش آن تلاش کنند. امیر المومنین (علیه السلام) در این باره توصیه می‌فرماید : کار نیک اگر پرورش داده نشود کهنه گردد ، همانند لباس کهنه و خانه‌ی متروک .

نظام هستی و قوانین حاکم بر آن ، از ریزترین موجودات تا بزرگترین آن‌ها، از نظمی شگفت‌انگیز حکایت می‌کند. اگر نگاهی دقیق به اطراف خود بیندازیم و پدیده‌های هستی را با دیده دقت بنگریم ، در می‌یابیم که دست پر مهر پروردگار چه قدر زیبا و منظم هر چیز را در جای خویش نهاده.

به راستی که در آفرینش آسمان‌ها و زمین و اختلاف شب و روز و گردش کشتی در دریا به طوری که مردم بهره‌مند می‌شوند و در بارانی که خداوند از آسمان می‌فرستند تا در پرتو آن زمین‌های مرده را زنده کند و موجوداتی را که در روی زمین پخش ساخته و در وزش بادها ابرهایی که میان زمین و آسمان مسخر نموده است برای خردمندان ، نشانه‌هایی از خداوند است. (بقره ، آیه ۱۶۴)

أقسام نظم

نظم را بر حسب غایت و نتیجه پیوند، به سه نوع تقسیم می‌شود :

۱. نظم زیباشناختی: اگر گروهی از عناصر و اجزاء به روش خاص کنار هم قرار گیرند که ما لذت ذاتی به ادراک آن داشته باشیم یا سبب حیرت و شگفتی انسان گردد ، آن را نظم زیباشناختی می‌نامند : مثل مشاهده‌ی تابلوی نقاشی یا ترغیب به اعتقاد به وجود خدا از راه بررسی آسمان زیبا .

نظم علی: اگر عناصر خاصی در یک تقارن زمانی و مکانی اتفاق افتند، ما می‌توانیم از نظم علی سخن بگوییم. ۲

۳. نظم غایی: ساختارهایی که برای ایجاد یک نتیجه مشخص و با ارزش هماهنگ شده ، نظم غایی دارند، نمونه نظم غایی موجودات زنده یا مصنوعات بشری است. (پل ادواردز ، ۱۳۷۱ ، صص ۷۵۶)

هم‌چنین نظم را به این اعتبار که پیوند و ارتباط بین اشیاء مختلف لازمه و شرط پیدایش مفهوم نظم است، نظم را به سه قسم تقسیم می‌کنند :

۱. نظم اعتباری: این گونه از نظم پیرو قرارداد اعتبار کنندگان است و در حالات مختلف متفاوت است مانند نظم کتاب‌ها در کتابخانه که بر اساس الگوی خاصی، چینش شده‌اند .

۲. نظم صناعی: این نوع از نظم بر اساس قوانین علمی و برای هدف خاصی توسط انسان ابداع می‌شوند مانند نظم حاکم بر ساعت، کامپیوتر و هواپیما و...

۳. نظم طبیعی: مانند نظم در بدن انسان و گیاهان و جانوران و... این نوع از نظم معلول ارتباط و ترتیب طبیعی و تکوینی حاکم بر اجزاء یک پدیده طبیعی می‌باشد نه ناشی از چینش قراردادی یا صناعی اجزاء .

با توجه به انواع نظم می‌توان گفت که همه آنها بهره‌ای از نظم دارند و به تعبیری نظم یک امر مشکک و ذو مراتب است که دارای مصادیق متعددی است که در بعضی از مصادیق نظم پیچیده‌تر و روشن‌تر و در بعضی دیگر نظم ساده‌تر و از روشنی و وضوح کمتری برخوردار است .

اگر در مجموعه‌ای منظم دقت شود، آشکار می‌گردد که سه عنصر سازنده اصلی مفهوم نظم است .

الف) طراحی و برنامه ریزی دقیق

ب) سازمان‌دهی حساب شده

ج) هدف داشتن

اگر مجموعه فاقد یکی از این عناصر بود آن مجموعه منظم نخواهد بود.

عبادت

در

نظم

نقش عبادت و نیایش در تربیت و تهذیب انسان و پیوندش با فراخنای عالمی هستی ، انکارناپذیر است . نیاز روح به این پیوند و ارتباط، نیازی فطری است . پیشوایان دین سفارش می کنند که آدمی شبانه روز خود را به چند بخش تقسیم کند و یک بخش از آن را به عبادت اختصاص دهد. دقت و تامل در عبادت ها اسلامی نشان می دهد که موضوع نظم در آن ها دارای اهمیتی ویژه است . تعیین وقت برای خواندن نمازهای یومیه ، رو به قبله ایستادن ، لزوم رعایت شرایطی خاص هنگام اقامه نماز، مانند وضو داشتن ، معین کردن ماهی مشخص برای روزه گرفتن از طلوع فجر تا مغرب ، اعلام زمانی ویژه برای انجام دادن اعمال حج و... همه از اهمیت نظم در عبادت حکایت می کند. نکته ای که در همه کارها حتی در عبادت ها باید در نظر داشت، رعایت اعتدال و میانه روی است . چه این که افراط و تفری ، شور و نشاط عبادت را از انسان می گیرد. ورع و پرهیزگاری ، سبب حضور قلب و توجه به باطن عبادت می گردد . امام حسن مجتبی (ع) در سخنی نورانی می فرماید:

الورع نظام العبادۃ ؛
پارسایی ، قوام (پایه و اساس) عبادت است. (علامه مجلسی ، ۱۳۸۲ ، بحارالانوار، ص ۳۰۸)

دوری از گناه ، هم باعث نظم و انسجام ظاهر عبادت می گردد و هم انسجام و نظم باطنی آن . پیامبر بزرگوار اسلام (ص) می فرماید:

ان هذا الدین متین فاوغلوا فیه برفق و لا تکرهوا عبادۃ الله الی عبادالله ، فتکونوا کالراکب المنبت الذی لاسفرا قطع و لا ظهرا ابقی ؛
همانا این دین ، محکم و استوار است . پس با ملایمت در آن وارد شوید و عبادت خداوند را بر بندگان خدا به زور تحمیل نکنید، تا مانند سوار درمانده ای باشید که نه مسافت را پیموده و نه مرکبی به جا گذاشته به واسطه زیادی سرعت ، مرکبش در بین راه از رفتن باز مانده است.(اصول کافی، ص ۱۳۷)

امام صادق (ع) می فرماید :

لا تکرهوا الی انفسکم العبادۃ ؛
عبادت را بر خود تحمیل نکنید. (با زیاده روی در عبادت خود را خسته نکن) (اصول کافی، ص ۱۳۷)

توجه به احادیث معصومان (علیها السلام) نشان می دهد که رعایت میانه روی و نظم در عبادات راهی شایسته و بایسته است . حضرت امیر مومنان (ع) در نامه سی و یکم نهج البلاغه به فرزند گرامی اش ، امام مجتبی (ع) ، چنین می فرماید:

واعلم یا بنی ان احب ما انت اخذ به الی من وصیتی تقوی الله والاقتصاد علی ما فرضه الله علیک ؛ ای پسر من! بدان که محبوب ترین چیزی که دوست می دارم از وصیتم به کار بندی ، تقوای الهی و میانه روی در آن چیزی است که خدا بر تو واجب فرموده است . (محمد بن حسن طوسی ، ۱۴۰۶) هم چنین می فرماید : اقتصد یا بنی فی معیشتک و اقتصد فی عبادتک ؛ ای پسر من! در معیشت و عبادت خود، میانه روی پیشه کن. (میزان الحکم، ص ۱۳۸).

نظم در گفتار

نظم در گفتار، یکی دیگر از جلوه های نظم می باشد . انسان منظم ، زبان کنترل شده و سنجیده دارد و در گفتار خود، حدود را مراعات می کند: چه بگوید، کی بگوید، چه میزان بگوید و چه گونه بگوید و حد و حدود را رعایت کند، همه از نشانه های معتدل و منظم است. امیر مومنان علی (ع) بهترین گفتار را منظم ترین آن می داند و می فرماید : احسن الکلام مازانه حسن النظام ، و فهمه الخاص و العام ؛ زیباترین گفتار، آن است که نظم نیکویش آن را زینت بخشیده و خاص و عام آن را بفهمند . و بدترین گفتار را آن می داند که عاری از نظم باشد (میزان الحکم، ۱۳۸۸ ، ص ۴۴۸) شر القول ما نقض بعضه بعضا؛ بدترین گفتار، گفتاری است که برخی از آن با برخی دیگرش ناسازگار باشد. (میزان الحکم، ۱۳۸۸، ص ۴۴۸)

درباره سیره پیامبر (ص) در سخن گفتن می خوانیم: سخنان آن حضرت ، همه کوتاه بود. گفتارش به هم پیوند داشت . کلماتش را شمرده بیان می کرد...در گفتار، تکرار نداشت و گفتارش روشن بود؛ به گونه ای که هر شنونده ای آن را می فهمید و هنگام سخن گفتن ، تبسم می کرد (علامه طباطبایی ، ۱۴۲۷ ، صص ۶۸، ۶۴، ۴۸، ۲۰) از سفارش های حضرت رسول (ص) این بود که : اذا حدثت القوم ان لا تقبل علی رجل واحد من جلسائک ولكن اجعل لکل منهم نصیبا؛ وقتی با جمعی سخن می گویی ، در میان آنان به یک فرد معین توجه مکن و لکن برای هر کدام شان بهره ای قرار ده . (علامه طباطبایی ، ۱۴۲۷ ، ص ۴۱) هم چنین ، در سیره آن حضرت می خوانیم ، حضرت ، کلام هیچ کس را قطع نمی کرد، مگر این که از حد شرعی تجاوز می کرد، در آن صورت با نهی یا از جا برخاستن ، کلام را قطع می کرد (علامه طباطبایی، ۱۴۲۷، ص ۱۸)

امیرمومنان (ع) نیز سخن بیهوده و سکوت بی موقع را نهی فرموده است: لا خیر فی الصمت عن الحکم كما انه لا خیر فی القول بالجهل ؛ خیری نیست در خاموشی از بیان حق ، چنان که خیری نیست در گفتار از روی جهل و نادانی (نهج البلاغه ، ص ۱۳۲۰)

به اندازه فهم مردم سخن گفتن نیز یکی از شروط گفتار مفید و منظم است که پیامبر (ص) درباره اش می فرماید: امرنا ان نکلّم الناس علی قدر عقولهم ؛ به ما امر شده است که با مردم ، در حد فهم شان سخن گوئیم. (میزان الحکمه، ۱۳۸۸، ص ۲۹۷) دیگر این که امام علی (ع) مردم را به سخن گفتن به اندازه نیاز فرا می خواند لا تقل ما لا تعلم بل لا تقل کل ما تعلم ؛ آن چه را نمی دانی مگو، بلکه همه آن چه را نیز که می دانی ، مگو

ابراهیم بن عباس می گوید: هرگز ندیدم که حضرت ابوالحسن الرضا، در گفتارش به کسی ستمی کند و بد گوید و ندیدم سخن کسی را قطع کند، بلکه صبر می کرد تا او از سخن گفتن فارغ می شد و سپس سخن می گفت : از موضوعاتی که در مبحث نظم در گفتار می توان مطرح کرد، موضوع ستایش و نکوهش (مدح و ذم) دیگران است . در این باره نیز لازم اس ، انسان ، حدودی را مراعات کند تا از راه میانه خارج نشود و به گرداب افراط و تفریط در نیفتد. در روایتی از مولای مومنان (ع) آمده است: الثناء باکثر من الاستحقاق ملق و التقصیر عن الاستحقاق عی او حسد؛ ستایش دیگران ، زیادتر از آن چه شایسته است ، چاپلوسی است ، و کم تر از آن چه سزاوار است ، ناتوانی و زبونی و یا از حسد است (نهج البلاغه ، ص ۱۲۴۹)

نظم در نوشتار

از معانی لغوی نظم ، آراستگی ، هماهنگی و پیوستگی است . از نظم و انضباط در نوشتار، همین معانی مراد است . در حدیثی از پیامبر بزرگوار اسلام (ص) آمده است که به نویسندگان وحی می فرمود : الق الدواة و حرف القلم وانصب الباء و فرق السین و لا تغور المیم و حسن الله و مد الرحمن ، وجود الرحیم ... در ظرف دوات ، ليقه بگذار و قلم را به صورت مایل بر صفحه قرار ده ، حرف (باء) را در (بسم الله الرحمن الرحیم) بر کرسی بنشان و حرف (سین) را مشخص کن ، و حرف (میم) را کور نکن . آن را به صورت تو خالی بنویس (کنز اعمال، ۱۴۰۹ ، ص ۳۱۴) . الله را زیبا و نیکو بنویس . الرحمن را کشیده بنویس و الرحیم را نیز خوب و آشکار

بنگار

و در سخنی دیگر می فرماید:
چون چیزی می نویسید، مرتب و منظم بنویسید که در ابلاغ پیام، توفیقی فزون تر خواهد داشت. (کنز اعمال، ۱۴۰۹ ص ۳۱۵)
مرحوم علامه محمد حسین فاضل تونی از تنگدستی و پریشانی زندگانی میر عماد حسنی در آغاز کار، حکایت کرده است. وی به شوق و ذوق فطری و نعمت و عشق خدادادی در خط، به آموختن خط مشغول بود. روزی، دو تا ن نوشت و مادرش را داور گرفت که این ن خوش تر است. ولی دیری نگذشت که به برت (ن و القلم)، و مفتاح خط (و ما یسطرون) ابواب رزق بر رویش گشوده شد. (آیت الله حسن زاده، ۱۳۹۲، ص ۵۳۹)

امام صادق (ع) درباره حفظ و نگه داری نوشته می فرماید:
احتفظوا بکتبکم فانکم سوف تحتاجون الیهما؛ (اصول کافی، ۱۳۷۵، ص ۴۲)
از نوشته ها و کتاب های خود نگه داری کنید که شما، به زودی، به آنها نیازمند خواهید شد. روشن است که نگه داری نوشته ها، نیاز به نظم و انضباط دارد تا دست رسی بدان آسان صورت پذیرد. در روایتی دیگر درباره نوشته، چنین آمده.
قال ابو عبدالله (ع): یستدل بکتاب الرجل علی عقله و موضع بصیرته، و برسوله علی فهمه و فطنته؛ (محاسن برقی، ۱۳۷۴، ص ۱۹۵)
از نوشته شخص، می توان به عقل و اندیشه و جایگاه بصیرت او، و از فرستاده اش بر فهم وزیرکی او پی برد. بر اهمیت نظم و انضباط در نوشتار، نه تنها در روایات که در سفارش اندیشوران مسلمان نیز پا فشاری شده است. مرحوم شیخ بهائی در جلد سوم کشکول صفحه‌ی ۳۹۸ به نقل از حکیمان گوید:
قلم ، زبان دست است .
قلم ، درختی است که میوه اش معانی است .
الخط الحسن یزید الحق وضوحا . خط خوش ، بر روشنی حق می افزاید.

نظم در آراستن ظاهر و پوشیدن لباس

یکی از معانی نظم، آراستگی است. مردم در شکل ظاهری لباسشان به گونه های مختلفی تقسیم می گردند. انسانی که از نظر شکل ظاهری، پاکیزه و مرتب باشد و آراستگی خود را ارج نهد، انسانی منظم به حساب می آید. در دین مقدس اسلام، به این موضوع، اهمیتی فراوان داده شده و از سیره پیامبر اکرم (ص) و امامان پاک

(ع) (روایاتی بسیار نقل است. در سیره رسول خدا (ص) آمده است : پیغمبر گرامی اسلام (ص) عادتش این بود که هنگام خروج از منزل ، به آینه می نگریست و موی سر را صاف می کرد و شانه می زد و در صورت نبودن آینه ، این کار را در برابر آب صاف انجام می داد و می فرمود: خداوند دوست دارد وقتی بنده اش برای دیدن برادران از خانه بیرون می رود، خود را بیاراید. (علامه طباطبایی، ۱۴۲۷، ص ۴۲)

و نیز امام صادق (ع) درباره سیره رسول خدا (ص) می فرماید : کانت لرسول الله (ص) ممسکة اذا هو توضا، اخذ بیده و هی رطبة فکان اذا خرج عرفوا انه رسول الله برائحتہ) همان، ص ۹۷ (برای رسول خدا (ص) عطری بود که پس از هر وضو آن را به دست می گرفت . و آن تازه و با طراوت بود. در نتیجه چون از خانه بیرون می آمد، مردم ، از بوی عطرش پی می برند که او رسول خدا است . و نیز می فرماید : کان رسول الله (ص) ینفق فی الطیب اکثر مما ینفق فی الطعام ؛ (همان، ص ۹۸) رسول خدا (ص) بیش از آن چه برای خوراک خرج می کرد، برای خرید عطر خرج می کرد . و از حضرت رسول خدا (ص) روایت است : ان الله جمیل یحب الجمال و یحب ان یری اثر نعمته علی عبده و یبغض البوس و التباوس ؛ (محمدی ری شهری ، ۱۳۸۴، ص ۷۶)

خدا، زیبا است و زیبایی را دوست دارد و خویش دارد که آثار نعمت های خود را در بنده اش ببیند و دشمن می دارد سخت گیر و سخت گیری را . نیز درباره چگونگی لباس پوشیدن می فرماید : احسنوا لباسکم و اصلحوا رحالکم کانکم شامئ فی الناس ؛ (همان ، ص ۷۷) لباس پاک و پاکیزه بپوشید و توشه آخرت تان را اصلاح سازید تا همانند الگویی در بین مردم باشید . انضباط و توجه به آراستگی ظاهری ، برای همگان ، گونه ای ارزش و سرمایه زندگی است و در برخوردهای اجتماعی ، بسیار موثر و کارگشا می باشد . توجه به آراستگی ظاهری ، برای عالمان دین ، آن هم دینی که نظم و انضباط و پاکی و آراستگی در سر لوحه برنامه هایش قرار دارد، ارزشمند است . از این روی ، می توان مهم ترین شرط و رمز نفوذ در دل ها را به کار بردن همین نکته های ظریف دانست که با برخوردهای اجتماعی و فردی مرتبط است.

میرزای نائینی ، در آراستگی و پاکی لباس و رسیدگی به ظاهر، نمونه بود. هیچ گاه کوچک ترین بی انضباطی و دوری از پاکی را بر نمی تابید. اگر در چهره و شکل ظاهری کسی چیز ناپسند و خلاف عرف می دید، بی درنگ با اشاره یا کنایه و در مواردی به روشنی ، آن را یادآور می شد .

نظم در غذا خوردن و بهداشت یکی از موضوعاتی که در دین اسلام و تعالیم آن مطرح شده و بسیار مورد تاکید است، موضوع رعایت بهداشت و حفظ سلامت جسم است؛ زیرا عقل سالم در بدن سالم است. از این رو، دوری از تمام خوارکی ها و آن چه برای انسان زیان بار است، دستوری لازم محسوب می شود. می توان سبب حرمت برخی خواراکی ها در اسلام را در همین دانست. در دستوره‌های پیشوایان دینی، حفظ سلامتی و رعایت نظافت و اصول بهداشتی و تغذیه سالم، بسیار سفارش شده. در روایت، حضرت علی (ع) نسخه ای بسیار سودمند برای سلامتی دارد که خطاب فرزندش امام حسن مجتبی (ع) فرموده است:

الا اعلمک اربع خصال تستغنی بها عن الطب؟ قال: بلی. قال: لا تجلس علی الطعام الا و انت جائع و لاتقم عن الطعام الا و انت تشتهیه و جود المضغ و اذا نمت فاعرض نفسك علی الخلاء. فاذا استعملت هذا، استغنیت عن الطب؛ (شیخ حر عاملی، ۱۴۱۴، ص ۴۰۹)

آیا نمی خواهی چهار خصلت به تو بیاموزم که با آن ها از طب بی نیاز شوی؟ امام حسین (ع) گفت: بلی. علی (ع) فرمود: جز در حال گرسنگی، بر سفره طعام منشین (غذا مخور) و از خوردن در حالی که هنوز میل به آن داری برخیز، و طعام را در دهان خوب جویده، آن گاه فرو بر، و هنگام خواب، شکمت را از فضولات خالی دار، چون به این ها عمل کنی، از طب بی نیاز می شوی.

درباره رعایت بهداشت و نظم و انضباط در خوراکی ها، در دو محور، روایاتی وارد شده است: میانه روی در غذا خوردن، شیوه و زمان غذا خوردن

میانه روی در غذا خوردن امام علی (ع) می فرماید: لو ان الناس قصدوا فی الطعم لا اعتدلت ابدانهم؛ (محمدی ری شهری، ۱۳۸۴، ص ۱۱۹)

اگر مردم در غذا خوردن میانه روی کنند، همانا جسمشان تعادل یابد. نیز می فرماید: من اقتصد فی اكله کثرت صحته و صلحت فکرته؛ (همان، ص ۱۲۱)

هر کس در خوردن میانه روی کند، تندرستی اش فزونی می یابد و فکر و عقلش اصلاح گردد. و می فرماید: قلّة الاکل من العفاف و کثرته من الاشراف؛ (همان، ص ۱۱۷)

کم خوردن، از پارسایی و پرهیزگاری است و پرخوری، زیاده روی و اسراف است.

و از رسول اکرم (ص) نقل است:

البسوا و کلوا و اشربوا فی انصاف البطون؛ فانه جزء من البنوة؛ (همان، ص ۱۱۶)

بپوشید و بخورید و بیاشامید، اما با میانه روی. میانه روی، از ویژگی های نبوت است.

و نیز می فرماید :

لا تمیتوا القلوب بكثره الطعام و الشراب ؛ فان القلب يموت كالزرع اذاكثر عليه الماء؛ (همان ، ص ۱۱۷)
با زیاده روی در خوردن و آشامیدن ، قلب ها را نمیرانید؛ همانا، قلب می میرد. همانند زراعت که بر اثر آب فراوان می میرند .

شیوه و زمان غذا خوردن

پیامبر اکرم (ص) می فرماید : کل و انت تشتهی و امسک و انت تشتهی ؛ (همان ، ص ۱۲۳)
غذا بخور در حالی که اشتها داری و از خوردن دست بکش در حالی که اشتها داری
امام علی (ع) درباره چگونگی آغاز و اتمام غذا می فرماید :
ابدووا بالملح فی اول طعامکم فلو یعلم الناس ما فی الملح لاختاروه علی التریاق المجرب ؛
غذای خود را با نمک آغاز کنید که اگر مردم خبر داشتند از آن چه در نمک است ؛ آن را بر نوشدارویی ترجیح
می دادند .

و امام صادق (ع) می فرماید :

من غسل یده قبل الطعام و بعده بورک له فی اوله و آخره ؛ (همان ، ص ۱۲۴)
هر کس دستان خود را پیش و پس از غذا بشوید، غذا خوردن بر او، از آغاز تا پایان گوارا خواهد بود.
در روایات فراوانی بر بهنگام غذا خوردن و خودداری از غذا خوردن میان دو وعده و هم چنین بر خوردن صبحانه و
شام تاکید شده است . (علامه مجلسی ، ۱۳۸۵ ، ص ۳۳)

به همان میزان که پر خوری موجب فساد بدن و زیان های جبران ناپذیر و پیری زودرس می شود، غذا نخوردن در
شب ، نکوهش شده است . امام صادق (ع) می فرماید : ترک غذا در عشا، موجب خرابی بدن است . پیامبر اکرم
(ص) می فرماید :

کسی که می خواهد در این جهان باقی بماند و با عمر طبیعی زندگی کند، هر روز صبح ، به قدر کافی ، غذا بخورد
و کفشی بپوشد که پا را نزند و به راحتی راه برود و لباسی سبک در بر کند که خسته نشود. (همان ، ص ۳۳)
از مجموع روایات استفاده می شود که تغذیه انسان باید منظم و در ساعاتی ویژه باشد و به اندازه بر طرف شدن
نیاز. امام خمینی قدس سره - اسوه نظم و انضباط - حتی برای غذا خوردن ، دقیقه را به حساب می آورد. در این
باره چنین گفته اند :

برادران ، فیلمی را از برنامه های انقلاب ، به فرانسه آورده بودند. پیشنهاد کردند که به امام بگویم ، بعد از شام
فیلم را ببینند. رفتم عرض کردم : شام آماده است . بیاورم ؟ به ساعت نگاه کردند و فرمودند : حالا ده دقیقه به

شام مانده . (مصطفی وجدانی ، ۱۳۸۷)

نظم در راه رفتن ، به معنای میانه روی در سرعت آن می باشد ؛ یعنی انسان باید نه چندان تند راه رود که نشانه سبکی است و نه چندان آهسته که علامت تکبر است . ابن عباس از سیره رسول الله (ص) روایت می کند : پیامبر، وقتی از خانه خارج می شد، به گونه ای گام بر می داشت که بازگو کننده سلامت و توان مندی باشد و نشانه ای از کسالت و بیماری در آن نباشد. (بحار الانوار ، ۱۳۸۵ ، ص ۲۳۹)
امام علی ، روش حضرت را در راه رفتن چنین بیان می فرماید:
یخطو تکفوءاً و یمشی هوینا یبدو القوم اذا سادع الی خیر. و اذا مشی تقلع کانما یخطه فی صیب ؛ (سنن النبی ، ۱۴۲۷ ، ص ۶)
پیامبر (ص) با وقار گام بر می داشت و با تواضع راه می رفت و پیشی می گرفت مردم را وقتی که به سوی کار خیری می شتافتند و مانند کسی گام بر زمین می گذاشت که بر زمین سرایشب راه می رود.
در قرآن کریم ، میانه روی در راه رفتن ویژگی عباد الرحمن ذکر شده :
و عباد الرحمن الذین یمشون علی الارض هوناً؛ (فرقان ، آیه ۶)
بندگان خداوند رحمان ، کسانی هستند که آرام بر زمین گام می گذارند.
نیز لقمان حکیم ، فرزندش را به آرامی در راه رفتن سفارش می کند :
و لا تمش فی الارض مرحاً؛ (لقمان ، آیه ۱۸)
و بر زمین ، متکبرانه راه مرو

نظم در نشستن
نظم در نشستن به آن معنا نیست که انسان همیشه به یک شکل و حالت خاص بنشیند، بلکه مراد از نظم و انضباط در نشستن ، مراعات دستورهای پیشوایان بزرگ دین است که می گویند انسان ، چون متکبران ننشیند و در جمعی که به صورت حلقه نشسته اند، وسط ننشیند و نیز وقتی دو برادر یا پدر و یا پسر و یا دو دوست نزد هم نشسته اند، میان آنان ننشیند و هنگام میهمانی ، برای نشستن دیگران جا باز کند و بکوشد بیش تر رو به قبله بنشیند
و...

امام صادق (ع) فرموده است :
اذا دخل منزلاً قعد فی ادنی المجلس الیه حین یدخل ؛ (سنن النبی ، ۱۴۲۷ ، ص ۵۵)

وقتی رسول خدا (ص) وارد مجلس می شد، در نزدیک ترین جای ورود خود می نشست .
و نقل است که رسول گرامی اسلام (ص) از نشستن شخص میان دو شخص دیگر، بدون اجازه آن دو، نهی فرمود
: روی ان النبی (ص) نهی ان یجلس الرجل بین الرجلین الا باذنهما (منیه المرید ، ۱۳۷۱ ، ص ۱۴۳)

نظم در معاشرت ها وعده ها و پیمان ها

انسان طبیعتاً موجودی اجتماعی است و باید با دیگران رابطه برقرار سازد و بر این اساس ، شخصیت و معاشرت
هایش شکل می گیرد. در دین اسلام و در سیره پیامبر بزرگ اسلام (ص) و پیشوایان دین ، نظم و انضباط در
معاشرت ها و روابط اجتماعی و عهد و پیمان ها، از ارزشی بسیار برخوردار است . ششمین پیشوای شیعیان ،
حضرت امام صادق (ع) ، از روش رسول خدا (ص) چنین یاد می کند :
کان رسول الله (ص) واعد رجلا الی الصخره فقال : انالک هنا حتی تاتی ، قال : فاشتدت الشمس علیه . فقال له
اصحابه : یا رسول الله ، لو انک تحولت الی الظل ؟ قال : و عدته ههنا و ان لم یجی ء کان منه الحشر؛ (سنن النبی
، ۱۴۲۷ ، ص ۶۵)

پیامبر (ص) با شخصی وعده گذاشت که در کنار کوه یا صخره ای در انتظارش بماند و گفت : من ، همین جا می
مانم تا تو بیایی امام (ع) فرمود: پس گرمای آفتاب ، بر رسول خدا (ص) شدت گرفت ، یاران آن حضرت گفتند :یا
رسول الله (ص) !چه می شود اگر به سایه روید؟ !رسول خدا (ص) فرمود :وعده گاه ما، همین مکان است و اگر
نیاید قیامت از آن او است .
پیشوای پارسایان ، حضرت علی (ع) می فرماید : ما ایقن بالله من لم یرع عهوده و ذممه (ذمته)؛ (میزان الحکمه
، ۱۳۹۵ ، ص ۵۰)

به خدا یقین ندارد آن کس که به عهد و مسئولیت و آن چه را در گردنش است ، رعایت نکند.
در روایتی از پیامبر اکرم (ص) نقل است :
لا دین لمن ا عهد له ؛ کسی که عهد و پیمان ندارد، دین ندارد . (همان)
از آن جا که دوست خوب ، در شکل گیری شخصیت آدمی نقشی مهم دارد، اسلام درباره انتخاب دوست و تحکیم
دوستی و حفظ حقوق دوستی ، سفارش هایی بسیار دارد، از جمله این که در دوستی باید میانه روی رعایت گردد
و صداقت و رفاقت در اندازه میانه باشد و در آن از افراط و تفریط پرهیز کرد. حضرت امیر مومنان (ع) در اندرز
نامه خود به فرزند بزرگوارش ، امام حسن مجتبی (ع) می فرماید :
و ان اردت قطیعه اخیک فاستبق له من نفسک بقیه یرجع الیها ان بدا له ذلک یوماما؛ (نهج البلاغه ، نامه ۳۱ ، ص
۹۳۳)

اگر خواستی رابطه ات را با برادرت قطع کنی ، راهی به سوی خودت برایش بگذار تا اگر پشیمان شد، بتواند باز گردد

درباره میانه روی در دوستی می فرماید :

احبب حبیبک هوناما، عسی ان یکون بغیضک یوماما و ابغض بغیضک هوناما عسی ان یکون حبیبک یوماما؛ (همان حکمت ۲۶۰، ص ۱۲۱۶)

دوست خود را دوست دار به اندازه ای که تجاوز در آن نباشد (او را بر همه اسرار آگاه مساز) شاید روزی از روزها، دشمنت گردد، و دشمنت را دشمن دار از روی میانه روی ، شاید روزی از روزها دوستت گردد. نکته ای که لازم است در معاشرت مد نظر قرار گیرد، این است که برای معاشرت ، وقت و اندازه ای حساب شده صرف شود و از گذراندن اوقات به بطالت و بیهودگی باید گریخت . امام موسی بن جعفر (ع) در سخنی نورانی ، زمان معاشرت با برادران را بخشی از وقت روزانه مومن قرار می دهد و می فرماید: اوقات خود را چهار بخش تقسیم کنید :

اجتهدوا فی ان یکون زمانکم اربع ساعات : ساعة لمناجاة الله و ساعة لامر الناس و ساعة لمعاشره الاخوان و الثقاء الذین یعرفونکم عیوبکم و یخلصون لکم فی الباطن و ساعة تخلون فیها للذاتکم فی غیر محرم و بهذه الساعة تقدرن علی الثلاث ساعات ؛ (تحف العقول، ۱۳۸۵ ، ص ۴۰۹)

قسمتی برای عبادت خدا، بخشی برای امور زندگی (کار و فعالیت)، زمانی برای معاشرت با برادران و دوستان مورد اعتماد که عیب هایتان را به شما یادآوری می کنند و از عمق دل به شما اخلاص می ورزند (در دوستی خالص باشند) و قسمتی برای تفریح ولذت های حلال . به کمک این قسمت چهارم است که می توانید وظایف خود را در سه بخش دیگر انجام دهید.

نظم در تبلیغ

یکی دیگر از جلوه های نظم - که نقشی بس بزرگ در تربیت و رشد افراد دارد ، نظم در تبلیغ است . برای آن که تبلیغ ، هر چه بهتر و موثر و کار آمد گردد، باید مبلغ به اصول و شیوه های کاربردی آن به خوبی آگاه باشد و در به کارگیری روش های تبلیغی دقت کند. یکی از این روش ها، که به کار مبلغ انسجام می بخشد و او را در به ثمر نشانیدن تلاش هایش یاری می کند، نظم در ابلاغ رسالت خویش است . توجه و تامل در روشهای تبلیغی پیامبران نکاتی جالب توجه به دست می دهد که در این جا به نمونه هایی از آن اشاره می شود.

آغاز کردن از واحدهای کوچک تر

این روش ، در ابلاغ رسالت پیامبر گرامی اسلام (ص) کاملاً مشهود است . آن حضرت ، نخست ، مامور می شود خانواده و عشیره خویش را انداز کند و سپس مردم و قبیله خود را و آن گاه منطقه حجاز را. در نهایت ، رسول اکرم (ص) رسالت جهانی خویش را اعلام می فرماید.

تبلیغ گام به گام
شیوه رسول گرامی اسلام (ص) در ابلاغ برخی از احکام به صورت تدریجی و گام به گام بوده است ؛ مثلاً درباره حرمت شراب - که بیان یک باره آن برای تازه مسلمانی که سخت به آن خو کرده بودند - دشوار می نمود، حکمش گام به گام بیان شده است . ابتدا، در آیاتی ، از زیان های شراب سخن گفته می شود و پس از مدتی در برخی دیگر از آیات ، این حکم نازل می شود که در حال مستی ، نماز نخوانید و سرانجام ، حکم حرمت شراب بیان می شود.

حرمت ربا نیز نخست در سوره روم به صورت اندرز اخلاقی مورد اشاره قرار گرفته است که رباخواری در پیش گاه پروردگار، کاری پسندیده نیست . و سپس در سوره بقره و آل عمران و نساء به آن پرداخته شده و حرمتش بیان گردیده است و در سوره بقره ، آیه ۲۷۵ به شدت منع شد و ممنوعیت آن شرح داده شده است. (تفسیر نمونه ، ۱۳۸۸ ، ص ۲۷۰)

آری ، تدریجی بودن تبلیغ ، شیوه ای است که با طبیعت انسان سازگاری دارد و رسولان الهی ، همسو با فطرت مردمان تبلیغ می کنند و انسان ها را گام به گام به سرچشمه های هدایت و نور رهنمون می شوند.

به کارگیری شیوه های درست تبلیغ
خداوند متعال ، به رسول امینش دستور می دهد که مردم را با حکمت و موعظه حسنه و جدل نیکو به راه پروردگار فرا خواند . (سوره نحل ، آیه ۲۵) بنابراین ، مبلغ باید با آگاهی از شرایط و شیوه های تبلیغ و رعایت عنصر زمان و مکان و ویژگی های گوناگون افراد، با تبشیر، انداز، ارشاد، دعوت به حق ، امر به معروف و نهی از منکر،... با زبان علم و عمل ، رسالتش را به مردم ابلاغ کند. تبلیغ ، اگر تنها با گفتار باشد و با کردار همراه نگردد، از گوش فراتر نخواهد رفت و به دل نخواهد نشست . در روایات آمده است که : مردم را با غیر زبان به کارهای نیک فرا خوانید .

نظم در تربیت
نظم ، در تربیت نیز نقشی بسیار مهم دارد. و انما قلب الحدث كالارض الخيالية ما القى فيها من شىء قبلته ؛ (نهج البلاغه ، نامه ۳۱ ، ص ۹۱۲)
قلب کودک چونان زمینی خالی است که هر بذری در آن افشانده شود، می پذیرد.

بنابراین ، مربی باید بکوشد در این زمین آماده ، بذر علم و ایمان و تقوا و نظم و انضباط بیفشاند تا میوه انسان صالح برداشت کند .

نگاهی به دستورها و تعالیم تربیتی پیشوایان دینی در پرورش و تربیت صحیح فرزندان ، نشان می دهد که آموزش نظم و انضباط علمی و عملی از جایگاهی ویژه برخوردار است :

هنگام ولادت ، در گوش راست کودک ، اذن ، و در گوش چپش ، اقامه بگویند؛ (حلیه المتقین ، ۱۳۶۹ ، ص ۸۳) در روز هفتم ، برایش عقیقه کنید. موهای سرش را بتراشید و هم وزنش صدقه دهید؛ (همان ، ص ۸۷) در روز هفتم ، پسران را ختنه کنید؛ (همان ، ص ۸۹)

مادر، تا دو سال به فرزند شیر دهد؛ (همان ، ص ۹۰) در هفت سال اول بگذارید کودک بازی کند؛ در هفت سال دو، حلال و حرام را بدو بیاموزید؛ ... (همان ، ص ۹۱) اندکی وقت در این دستورها، جایگاه مهم نظم در تربیت کودک نشان می دهد. (همان در پایان این بحث ، به روایتی نورانی از امام باقر (ع) ، که اهمیت نظم در تربیت را بیان می کند، می نگریم :

چون کودک ، سه ساله شود، هفت بار به او بگو : لا اله الا الله و سپس رهایش کن تا به سن سه ساله و هفت ماه و بیست روز برسد. آن گاه وادارش کن که هفت بار بگوید :محمد رسول الله و آن گاه او را تا چهار سالگی واگذار و چون به پنج سالگی رسید به او بگو که دست راست و چپ کدام است . وقتی فهمید، رو به قبله اش کن تا سجده کند و باز بگذارش تا شش سالگی ، چون به شش سالگی رسید، رکوع و سجده بیاموزش و چون هفت ساله شد، در این سن ، دستورش ده تا دست و صورت را بشوید و وضو بگیرد. بعد به نماز وادارش . چون نه ساله گردید، وضو بیاموزش و اگر ترک کرد، او را تنبیه کن و به نماز فرمانش ده و بر ترک آن تنبیهش کن و چون کودک ، نماز و وضو را فرا گیرد، والدینش آمرزیده شوند، ان شاءالله . (وسائل الشیعه ، ۱۳۸۷ ، ، باب ۸۲، ص ۱۹۳)

تعریف کلید واژه

نظم

نظم به معنای آراستن، ترتیب دادن کار و... (صفی‌پور) و در اصطلاح نظامی به معنای پیروی کامل از دستورهای نظامی است (معین) . انضباط نیز به معنای نظم و انتظام، ترتیب و درستی، عدم هرج و مرج، سامان‌پذیری و آراستگی است (دهخدا) .

روایات

روایت . [ر ی ا] (ع مص) نقل سخن و یا خبر از کسی . (ناظم الاطباء). نقل کردن سخن . (غیاث اللغات). واگویه کردن سخن کسی را .

آیات

آیه به معنی نشان، علامت و عجائب است؛ (ابن منظور، ص ۶۳ ، فخرالدین ، ۱۳۷۵ ، ص ۳۹) ولی به نظر برخی به معنای علامت و نشانه‌ی روشن و واضحی است که در محسوسات و معقولات به کار می‌رود. (راغب اصفهانی ، ۱۴۱۲ ، ص ۱۰۳) تشبیه‌ی آن "آیتین" و جمع آن "آیات" است. (همان)

در اصطلاح تاریخ قرآن به کوچک‌ترین واحد تقسیم قرآن که ماقبل و مابعدش را جدا می‌سازد، "آیه" اطلاق می‌گردد؛ (خرمشاهی ، ص ۷۰) به عبارتی آیه بخشی از حروف، کلمات یا جمله‌هایی است که از طریق نقل و روایت حدود آنها مشخص شده است .

اهمیت و ضرورت تحقیق

از آن جا که انسان موجودی با گرایش‌هایی گوناگون است و این گرایش‌ها در جامعه بشری در تضاد و ناسازگاری اند، آن چه می‌تواند انسان را از این تنش نجات بخشد، وفاداری و عمل به قانون و ارج نهادن به حقوق دیگران است . پیشوای پارسایان ، حضرت علی (ع) می‌فرماید :

برترین آداب آن است که انسان بر حد خویش بایستد و از اندازه خود فراتر نرود . (غرر الحکم ، ص ۲۰۱)

تجلی نظم در نظام اجتماعی

نظم در عبادت‌های گروهی

یکی دیگر از جلوه های نظم ، منظم بودن در عبات های دسته جمعی ، از آن جمله نماز جماعت است . در نماز جماعت ، همه مومنان ، در صفوف منظم ، رو به قبله ، می ایستند و به پیروی از امام جماعت ، با هم به رکوع و سجده می روند و قنوت و تشهد و سلام می خوانند. پیامبر گرامی اسلام (ص) پیوسته سفارش می کرد :

سوا بین صفوفکم ، و حاذوا بین مناکیکم لا یتحوذ علیکم الشیطان ؛ (تهذیب الاحکام ، ص ۳۳۵ - وسائل الشیعه ، ص ۴۷۲)

نیز می فرمود :

اقیموا صفوفکم ...و لا تخالفوا فیخالف الله بین قلوبکم ؛ (همان)

صف های نماز را منظم کنید و نامرتب نباشید و پراکنده نشوید که خداوند دل هایتان را پراکنده می کند.

در زمان بندی نماز، در صف های نماز جماعت ، در سجده رفتن گروهی ، با هم نشستن ، با هم قیام کردن ، با هم سکوت کردن ، با هم دعا خواندن ، پیش و پس نیفتادن ، پیش از وقت نماز نخواندن و نماز را به خارج از وقت نسپردن ، در همه ، سیمای نظم و حساب ، به روشنی دیده می شود . (محسن قرائتی ، ص ۷۵)

یکی دیگر از عبادت هایی که نظم در آن متجلی است ، فریضه حج است . همه حاجیان باید در روزهایی خاص ، احرام ببندند، با هم در عرفات وقوف کنند، در مشعر و منی نیز در یک روز خاص قربانی کنند، رمی جمره کنند، به گرد کعبه طواف کنند، سعی صفا و مروه انجام دهند، همه در هر نقطه که هستند، رو به کعبه ، نماز گزارند. این همه ، نظم در عبادت های جمعی است .

نمونه دیگر نظم در عبادت های جمعی ، روزه است . همه مسلمانان موظفند در طول ماه مبارک رمضان ، از طلوع فجر تا اذان مغرب ، روزه بگیرند و از مفطرات روزه ، دوری جویند و به هنگام سحر و مغرب افطار کنند.

وجود قبله واحد برای مسلمانان در سرتاسر جهان نیز گونه ای نظم و همبستگی است که عبادات آنان را به سویی یگانه سوق می دهد. اگر کسی از فراز آسمان ها به صفوف نماز گزاران زمین بنگرد، دایره هایی منظم می بیند که مرکزشان کعبه است و توحید، نقطه تمرکز فکر و دل و جان و صفوف آنان . (محسن قرائتی ، ص ۷۵)

مسجد نیز- که میقات میهمانان خداست - یکی دیگر از تجلی گاه های نظم و انضباط است . برای این مکان مقدس ، آداب و احکامی ویژه مقرر است که از دقت و تامل در آنها می توان به ارزش نظم و انضباط در این پایگاه موحدان دست یافت . آداب ورود و خروج ، نظافت و خوش بو ساختن خویش ، سنت آموزش قرآن در آن و ... همه از جلوه های نظم در این حریم پاک است .

از مرحوم میرزای بزرگ شیرازی نقل است که فرمود: اگر دیدید امام جماعتی به جماعت حاضر نشد، بدانید از دنیا رفته است و بروید برای تشییع جنازه اش. کنایه از این که امام جماعت، جماعت را ترک نمی کند و در آمدن به نماز جماعت، بسیار منظم است. و فرمود: اگر استاد برای درس حاضر نشد، بروید به عیادتش، کنایه از این که استاد بی جهت، درس را ترک نمی کند و حضورش در کلاس درس، مستمر و منظم است.

نظم در امور سیاسی و اجتماعی

بی گمان، هر اجتماعی، نیازمند به رهبر یا ریس سر پرست است و همو، از نظم و سامان جامعه پاسداری می کند. در دین انسان ساز اسلام، امامت به عنوان عامل نظم و همبستگی جامعه مسلمانان معرفی شده است و رهبر جامعه اسلامی از جایگاهی بسیار والا برخوردار است و خط مشی نظام سیاسی و اجتماعی جامعه را او ترسیم می کند. از این رو است که امامان معصوم (ع) و بزرگان دین، درباره موضوع امام و امامت و اهمیت آن، سخنانی بسیار دارند. امام علی (ع) می فرماید:

مكان القيم من الامر مكان النظام من الخزر، یجمعه و یضمه فاذا انقطع النظام تفرق الخزر و ذهب، ثم لم یجتمع بحذافیره ابدأ؛ (میزان الحکمه، ۱۳۹۵، ص ۱۶۱)

جایگاه رهبر در امور، همانند جایگاه نخ رد تسبیح است که دانه ها را جمع می کند و به هم می پیوندد. اگر نخ پاره شود، دانه ها از هم می پاشند و از هم دور می شوند و هرگز اجتماع منظم گذشته خویش را نخواهند یافت. نیز، می فرماید:

الامامة نظام الامة؛

امامت، سبب نظم و همبستگی امت است.

امام رضا (ع) می فرماید:

ان الامامة زمام الدين و ناظم المسلمين و صلاح الدنيا و عز المومنين؛ (همان)

همانا، امامت، پیشوایی دین است و سبب نظم و همبستگی مسلمانان و مصلحت دنیا، و عزت مومنین است.

رهبر، خطوط کلی نظام را معین می کند و لزوم برقراری ارتباط یا نبود ارتباط با جوامع دیگر را تشخیص می دهد و جنگ و صلح ها با صلاح دید او خویش، وظیفه دارند مطیع و گوش به فرمان باشند. پیامبر اکرم (ص) می فرماید:

اسمعوا و اطیعوا لمن و لاه الله الامر، فانه نظام الاسلام؛ (بحار الانوار ، ۱۳۸۵ ، ص ۱۸۲)

کسی را که خدا، ولایت و سرپرستی امری را به او داده است به (سخنان او) گوش دهید و از او اطاعت کنید؛ زیرا، او سبب نظم و استواری اسلام است. در قرآن کریم، مومنان، از پیشی گرفتن بر خدا و رسولش در همه کارها نهی شده اند:

یا ایها الذین ءامنوا لاتقدموا بین یدی الله و رسوله واتقواالله ان الله سمیع علیم؛ (حجرات، آیه ۱)

ای کسانی که ایمان آورده اید! چیزی را بر خدا و رسولش مقدم نشمرید (و پیشی می گیرید) و تقوای الهی پیشه کنید که خداوند، شنوا و داناست.

از آن جا که مبنای این مباحث، بر اختصار است، از تفصیل خودداری می شود و تنها به نمونه هایی از سخنان پیر عارف و قافله سالار انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی، درباره لزوم ارج نهادن به نظم و قانون در حکومت اسلامی اشاره می کنیم:

حفظ نظم، از واجبات الهی است.

همه جامعه، نظم لازم دارد. اگر نظم از کار برداشته بشود، جامعه از بین می رود.

حکومت اسلام، حکومت قانون است.

همه باید منقذی به این باشید که قانون را بپذیرید، ولو بر خلاف رای شما باشد. شرف و ارزش انسان ها در تبعیت از قانون است که همان تقوا است. متخلف از قانون، مجرم و قابل تعقیب است.

قانون برای اجرا و برقرار شدن نظم اجتماعی عادلانه، به منظور پرورش انسان مهذب است. اگر همه اشخاصی که در کشورمان هستند و همه گروه هایی که در کشور هستند و همه نهادهایی که در سرتاسر کشور هستند، اگر به قانون خاضع بشویم و اگر قانون را محترم بشماریم، هیچ اختلافی پیش نخواهد آمد. (کلمات قصار، ۱۳۹۱، ص ۱۲۹)

اگر می خواهید که از صحنه بیرونتان نکنند، بپذیرید قانون را.

در اسلام، یک چیز حکم می کند و آن، قانون است. زمان پیغمبر هم قانون حکم می کرد. پیغمبر مجری بود. اختلافات، از راه قانون شکنی ها پیش می آید. در اسلام، قانون، حکومت می کند. پیغمبر اکرم هم تابع قانون بود، تابع قانون الهی، نمی توانست تخلف بکند. (همان، ص ۱۳۰ و ۱۳۱)

نظم در امور اداری و مدیریت اجتماعی

امام علی (ع) می فرماید :

لا بد من امازة و رزق للامير، و لابد من عريف و رزق للعريف ، و لابد من حسب و رزق للحاسب ، و لابد من قاض و رزق للقاضي ، وكره ان يكون رزق القاضي على الناس الذين يقضى لهم ، و لكن من بيت المال ؛ (دعائم الاسلام ، ۱۳۸۹ ، ص ۵۳۸)

برای مردم ، وجود شخصی به عنوان فرمانده و امیر، همراه با حقوقی برای او، و شخصی دیگر به عنوان معاون و وزیر، برای امیر، همراه با حقوق و مزایایی ، و شخصی به عنوان حسابدار، همراه با حقوقی برای او، و شخصی به عنوان قاضی همراه با مزایا، لازم است . و مکروه است این که ، رزق و روزی قاضی ، بر عهده مردمی باشد که برای آنان قضاوت می کند. و لکن (بودن رزق برای قاضی) از بیت المال مانعی ندارد .

چنان که پیداست ، در این حدیث گران قدر، لوازم مدیریت صحیح اجتماعی ، به خوبی بیان شده است .

یکی دیگر از مصادیق نظم مدیریتی ، تعیین جانشین است . از ویژگی های آموزنده در سیره رسول اکرم (ص) است که هر گاه قصد داشت مدینه را ترک کند- هر چند برای مدتی کوتاه - یک نفر را به عنوان جانشین نصب می فرمود. (۱۰۷) تعیین وظیفه هر یک از کارگزاران نیز یکی از مصادیق نظم و مدیریت است . امام علی (ع) می فرماید :

واجعل لكل انسان من خدمك عملا تاخذه به ؛ (همان ، ص ۱۲۴ - نهج البلاغه ، ص ۹۳۹)

برای هر یک از زیر دستانت و کارکنانت ، کاری تعیین کن تا او را نسبت به آن کار مواخذه و باز پرسی کنی

از دیگر مصادیق نظم مدیریتی ، حفظ عدالت است ؛ چنان که امام علی (ع) در این باره می فرماید :

العدل نظام الامر؛ (همان ، ص ۲۸ - غررالحکم ، ص ۹۰۱)

دادگستری ، سبب نظم و سامان فرمانروایی است . و از مصادیق دیگر نظم در مدیریت ، آزمودن کارگزار است پیش از آن که به او کاری واگذار شود. امام علی (ع) می فرماید :

الطمانيئة الي كل احد قبل الاختبار من قصور العقل ؛

اطمینان به هر کس ، پیش از آزمودن ، کوتاه فکری است .

دیگر از مصادیق مهم نظم در مدیریت ، این است که مسئولیت ها را به اهل آن واگذاریم ، قرآن می فرماید :

ان الله يامرکم ان تودوا الامانات الي اهلها (سوره ی نساء ، آیه ۵۸)

خدا به شما امر می کند که امانت را به صاحبش باز دهید .

مراد، تنها امانت مصطلح نیست ، بلکه مسئولیت های اجتماعی و حکومتی را نیز در بر می گیرد. از نکات مهم در نظم اداری ، گماشتن ناظر و بازرس است . در سخنان علی (ع) در این باره می خوانیم :

ثم تفقد اعمالهم ، وابعث العيون من اهل الصدق و الوفاء عليهم فان تعاهدك في السر لامورهم حدوده لهم علي استعمال الامانة و الرفق بالرعية ؛ (نهج البلاغه ، صص ۱۰۱۱-۱۰۱۲)

پس در کارهایشان ، کاوش و رسیدگی کن و بازرس های راستکار و وفادار بر آنان بگمار، زیرا، بازرسی پنهانی تو از کار آنان ، باعث امانت داری و مدارا و نرمی آنان با مردم می گردد.

بی نظمی مدیران و کارگزارانی که با ارباب رجوع سر و کار دارند و آنان را با وعده های امروز و فردا، سرگردان و در نتیجه ، نسبت به نظام حکومتی بدبین و ناراضی می سازند، بسیار زیان بار است . سخنان سودمند پیامبر گرامی اسلام (ص) سندی گویا بر این حقیقت است :

ویل لتجار امتی من لا، الله و بلی ، و الله و ویل لصناع امتی من الیوم و غدا؛ (من لا یحضره الفقیه ، ۱۳۹۰ ، ش ۳۵۸۴)

وای بر تاجران امت من که به خداوند سبحان سوگند یاد می کنند و (تجارت آمیخته با مجادله دارند) و وای به صنعتگران امت من که امروز و فردا می کنند، (کارها را به تاخیر انداخته ، مردم را سرگردان و خسته و ناراضی می کنند.)

این تهدید و توبیخ ، هر کارگر یا کارگزاری را که کارهای مردم را بر عهده دارد، موظف می سازد که نظم در کار را رعایت کند و بی موقع وعده ندهد و از هنگام مقرر نیز نگذرد. همان طور که یک مسلمان متعهد، باید مال مردم را از تباهی حفظ کند، موظف است وقت مردم را نیز از تباهی حفظ کند، و چنان که او باید کارگزاری امین در مال باشد، لازم است کارمندی امین در وقت نیز باشد. حضرت امیرالمومنین (ع) فرموده است :

ان الله تبارک و تعالی یحب المحترف الامین ؛ (همان ، ش ۳۵۸۰)

خداوند سبحان ، هر پیشه ور امین را دوست می دارد .

از حدیث بالا می توان دریافت که تنها وفای به امانت در مال ، ارجمند نیست ، بلکه رعایت امانت در همه چیز، اعم از خون و مال و آبرو و دیگر حقوق ، مانند وقت و عمر نیز ارجمند و بایسته است . دستوری ویژه درباره ، رعایت نظم در عهدنامه مالک اشتر به چشم می خورد که چنین است :

وامض لكل يوم عمله فان لكل يوم ما فيه ! واجعل لنفسك فيما بينك وبين الله افضل تلك المواقيت و اجز ل تلك الاقسام و ان كانت كلها لله اذا صلحت فيها النية وسلمت منها الرعية ؛ (نهج البلاغه ، نامه ۵۳ ، ص ۱۰۲۲)

کار هر روز را در همان روز انجام ده ، زیرا هر روز، کاری مخصوص به خود دارد. باید بهترین اوقات و بهترین ساعات عمرت را برای خلوت با خدا قرار دهی ! هر چند همه آن وقت ها از آن خدا است اگر نیت و قصد در آن ، شایسته و رعیت از آن در آسایش باشد .

آن گاه در تنظیم زمان برنامه می فرماید که بهترین فرصت و مهم ترین برنامه ها را برای تحکیم ارتباط خود با خداوند سبحان برگزین . گر چه همه کارها و برنامه ها در صورتی که با خلوص نیت همراه گردد و سلامت امت اسلامی در آن ملحوظ باشد، برای خداوند است ، ولی برنامه پرستش و محاسبه نفس و مناجات و نیایش را آن چنان تنظیم کن که بهترین وقت و گران بهاترین فرصت و بیش ترین کار برایش صرف شود. در این جا حضرت علی (ع) ضمن دستور نظم اداری به کارگزاران حکومت خود، دستور نظم عبادی را نیز صادر می فرماید .

آن چه در کلام امام علی (ع) ویژه نظم و رعایت برنامه صحیح است ، چیزی است که حضرت در نامه ای به کمیل بن زیاد نخعی مرقوم فرموده است :

ان تضييع المرء ماولى و تكلفه ماكفى لعجز حاضر و راى متبر؛ (همان ، نامه ۶۱، ص ۱۰۴۶)

ضایع کردن آدمی آن چه را بر عهده دارد و عهده دار شدن وی کاری را که دیگری باید انجام دهد، ناتوانی ای است آشکار و اندیشه ای است تباه و نابه کار .

برای رعایت نظم ، باید از ورود به هر کاری پیش از موقع مناسب ، خودداری کرد و با فرارسیدن فرصت مناسب ، بدان پرداخت . در این باره بیان حضرت امیر مومنان (ع) چنین است :

و مجتنى الثمرة لغير وقت ايناعها كالزراع بغير ارضه ؛ (همان ، خطبه ۵، ص ۵۷)

آن که میوه را در غیر وقت رسیدن بچیند، مانند کسی است که در زمین غیر زراعت کند

آثار اقتصادی نظم

برای تبیین اهمیت وجود نظم و انضباط در فرایند پیشرفت اقتصادی کشور به اجمال، برخی آثار مهم اقتصادی وجود نظم در یک جامعه بیان گردد :

الف) نظم و تنظیم وقت

در روایات بسیاری از پیشوایان معصوم(ع) برداشتن برنامه‌ای منظم با تقسیم اوقات تأکید شده است. به‌عنوان نمونه، از امام کاظم(ع) در این باره نقل شده است که فرمود: «تلاش کنید که اوقاتان چهار بخش باشد: یک بخش برای راز و نیاز با خدا، یک بخش برای زندگانی و معاش، بخشی برای معاشرت با برادران و مردمان مورد اعتماد که عیوبتان را به شما می‌فهمانند و از صمیم دل به شما اخلاص دارند و بخشی هم برای درک لذت‌های حلال که به وسیله این بخش، بر انجام وظایف در آن سه بخش موفق می‌شوید»(ابن‌شعبه حرانی، ۳۰۷).

بنابراین یکی از ضروریات نظم داشتن برنامه‌ریزی و زمان‌بندی به گونه‌ای است که برای هر یک از اولویت‌ها و کارهای مهم و کوچک وقت مشخصی در نظر گرفته شود. این انضباط زمانی باعث می‌شود انسان به تمامی کارهای خود به میزان اهمیت وقت بگذارد و از نکات به ظاهر غیرمهم غفلت نکند و یکی را فدای دیگری نسازد.

ب) وفای به تعهدات

با رعایت نظم و برنامه‌ریزی صحیح و برقراری نظم و ترتیب امکان وفای به عهد و رعایت تعهدات فراهم می‌شود. قرآن کریم تأکیدات فراوانی بر وفای عقود و تعهدات دارد. این مسئله هم در تعهدات شخصی و دیدارهای کاری است و هم در قراردادهای بزرگ کاری و اجتماعی است . .

ج) رسیدن به بهترین نتیجه

با شناخت زمان مناسب انجام هر کار موجب می‌شود با عدم تأخیر، فرصت از دست نرود یا با شتاب‌زدگی در کارها پیش از رسیدن وقت مناسب و نقطه بهینه، عملکرد نامناسب و نتیجه ضعیف کسب نشود؛ امیرالمؤمنین(ع) در نامه معروف خود به مالک اشتر در این زمینه می‌فرماید: «إِيَّاكَ وَالْعَجْلَةَ بِالْأُمُورِ قَبْلَ أَوَانِهَا أَوْ التَّسَقُّطَ عِنْدَ امْكَانِهَا؛ از شتاب‌زدگی در کارهایی که وقت انجام دادنشان نرسیده بپرهیز و از اهمالگری در کارهایی که وقت انجام آن‌ها فرا رسیده خودداری کن»(نهج‌البلاغه، نامه ۵۳).

د) استحکام و اتقان در کارها

از جمله آثار و نتایج نظم چه در تولید اقتصادی و یا در ارائه خدمات این است که با اتقان و نیکویی انجام می‌گیرد؛ زیرا تمام عناصر در وقت و جای خود قرار می‌گیرد و اثر مطلوب خواهد داشت. برنامه‌ریزی و نظم زمان کافی برای

انجام هر کاری را در اختیار فرد قرار می‌دهد تا با آرامش و فرصت کافی، وظیفه خود را انجام دهد. لیکن بدون رعایت نظم و ورود هرج و مرج کاری، فرد با کمبود وقت مواجه می‌شود و با عجله از میزان دقتش کاسته می‌شود و طبیعی است که نتیجه با کاهش اتقان و پختگی کار مواجه می‌گردد.

بنابراین فرهنگ اسلامی از منظر پرداختن به اهمیت نظم و انضباط در کارها کاملاً غنی است. انسان مسلمان باید با واقع‌نگری و آینده‌نگری بر محور برنامه‌ریزی و نظم با جدیت بر تلاش و کوشش بیفزاید. همچنین باید از سوءبرداشت از مفهوم توکل، از عمل بدون برنامه و نظم اجتناب کند و همواره جایگاه نظم و برنامه‌ریزی در کارها را بشناسد و صرفاً به آرزوها و پندارهای خود دل خوش نباشد.

نظم در امور سیاسی

۱- برنامه‌ریزی و نظم در جنگ‌ها

پیامبر(ص) به نظم و سامان‌دهی امور جنگی نیز می‌پرداخت. به عنوان نمونه پیامبر(ص) سپاه خود را در غزوه خندق سازمان‌دهی کرد و نگهبانانی بر آن گمارد؛ از جمله به عبادبن بشر فرمان داد. اطراف خندق گشت زنی کرده و مراقب دشمن باشد و مسلمانان هم هنگامی که دشمن را می‌دیدند با تیر و سنگ آنها را عقب می‌راندند. (واقعی، المغازی، ، ص ۴۶۴) ایشان در جنگ‌ها صفوف یارانش را منظم می‌کرد. چنان نظمی که گویی تیرها را در ترکش مرتب می‌کند. (المغازی، صص ۵۷-۱۳۸)

خداوند در این زمینه نیز سفارش کرده است: «خداوند کسانی که در راه او در صفوف منظمی چونان استوار و محکم می‌جنگند، دوست دارد.» (سوره صف، آیه ۴)

پیامبر(ص) در جنگ بدر نیز مشغول مرتب‌کردن صف‌ها بود، مردی از اصحاب گفت: ای رسول خدا اگر در مورد صف‌آرایی در این نقطه بی‌توجهی شده است، به دستور عمل فرمای و گرنه عقیده من این است که به قسمت بالای این دره بروی پیامبر(ص) فرمود: صف‌ها را مرتب کرده، پرچم خود را نصب کرده و آن را تغییر نمی‌دهم. (المغازی، ص ۵۶)

از عروه بن زبیر روایت شده که پیامبر(ص) در آن روز صف‌ها را مرتب می‌فرمود و به صف می‌کرد سواد بن غزیه جلوتر از صف ایستاده بود، پیامبر(ص) با چوبه تیری به شکم او زد و فرمود: ای سواد در صف بایست، سواد گفت: به دردم آوردی! تو را سوگند می‌دهم به کسی که تو را به حق برانگیخته است که قصاص مرا باز دهی پیامبر(ص) شکم خود را برهنه کرد و فرمود: قصاص کن؛ سواد آن حضرت را بوسید و گفت: می‌بینی که فرمان خدا رسیده است، ترسیدم کشته شوم، خواستم که آخرین عهد من با تو چنین باشد که تو را در آغوش گیرم. (همان)

در غزوه حنین نیز پیامبر(ص) سپاه را سحرگاه مرتب می‌فرمود و به صف می‌کرد و با تقسیم سپاه پرچم‌داری آن را به افرادی چون علی(ع)، سعد بن ابی وقاص، عمر بن خطاب، حباب بن منذر و... دادند. (المغازی ، ص ۸۹۵)

البته در برخی غزوه‌ها چون غزوه احد به علت برخی بی‌نظمی‌ها و سرپیچی از فرمان رسول اکرم(ص) شکست مسلمانان رقم خورد. در غزوه احد پیامبر(ص) آرایش نظامی به سپاه داد؛ پنجاه تیرانداز ماهر در شکاف کوه قرار داد تا از این قسمت حمله کند و دستور داد به ایشان که حتی اگر دیدید که ما کشته شدیم باز هم به فکر یاری از ما نباشید؛ اما در اثر یک بی‌انضباطی و سرپیچی از دستورات با مشاهده پیروزی مسلمانان محل خود را ترک و به جمع‌آوری غنائم پرداختند. همین بی‌انضباطی موجب شد دشمن از همین ناحیه حمله کرده و مسلمانان را شکست دهد. (طبقات الکبری، ج ۲، ص ۳۶)

اقدامات سیاسی برای نظم بخشی به امور سیاسی

پیامبر(ص) اولین اقدامی که پس از مهاجرت به مدینه داشت برای اینکه امور سیاسی را سامان بخشد نیازمند تشکیل یک نظام سیاسی و حکومتی بود اقدامات تأسیسی پیامبر(ص) نیز در همین راستا بود، بیعت عقبه و تعیین نقبا(طبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۷۰ و ج ۳، ص ۴۵۲). اولین شکل سیاسی پیامبر(ص) برای ایجاد نظم و انضباط در اداره امور جامعه است. تاسیس مسجد از دیگر اقدامات پیامبر(ص) بود. برای ایجاد نظم الهی و ایجاد وحدت مسجد مدینه را تاسیس کرد که البته مسجد تنها پایگاه عبادی نبود بلکه محل تعلیم و تربیت، مأمّن فقیران و مسکینان، مکان دیدارهای رسمی با وفود و...بود. (مصطفی دلشاد تهرانی، ۱۳۸۵) ایشان با تدوین میثاق مدینه (ابن کثیر، البدایه و النهایه، ص ۲۷۴) که اولین قانون اساسی نیز مشهور شد نظم بیشتری به جامعه بخشید انتخاب کارگزاران و شرح وظایف آنها و فرستادن به مناطق مختلف نیز در همین راستا بود از جمله کارگزاران: عتاب بن اسید به عنوان استاندار مکه منصوب شد(ابن حجر ، ۱۴۱۵، ص ۳۵۶) معاذ بن حیل در یمن اعزام شد. (طبقات الکبری، ج ۱، ص ۲۰۳) عمرو بن حزم کارگزار پیامبر(ص) برای جمع‌آوری مالیات و صدقات به یمن بود.

(البداية والنهایة، ج ۵، ص ۷۶) پیمان حدیبیه اقدام سیاسی دیگر حضرت بود با اینگونه پیمان‌ها پیامبر(ص) جامعه اسلامی از هرج مرج و درگیری‌ها و اقدامات دور کرد. این پیمان‌نامه که میان پیامبر(ص) و مشرکان بسته شد نتایج درپی داشت؛ از جمله رفت و آمد مسلمانان به مکه آزاد شد و آنان در مسافرت‌های خود به مکه با مسلمانان تماس بیشتری گرفته و از برنامه‌های سودمند و تعالیم عالی اسلام آگاه شدند. (طبقات الکبری، ج ۲، ص ۷۸)

پیشینه تحقیق

احمد زارع زردینی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با نام کوششی در جهت کشف نظم در سوره‌ی یاسین بیان می‌دارد که نظم (سازمان‌دهی/ترتیب/چینش) آیات در قرآن کریم با رویکردها، مدل‌ها و روش‌های مختلف بررسی شده. در این بررسی‌ها نظم، بیشتر به چینش الفاظ در یک آیه توجه دارد و برای پاسخ به این پرسش که چرا این چینش واژگان در آیه، بهترین چینش می‌باشد و طبیعتی معجزه‌وار دارد. هم‌چنین گاه به چرایی چینش یک آیه پس از آیه‌ای دیگر، پرداخته. نوشتار زردینی الگویی نوین را به‌منظور تحول مطالعه نظم قرآن پیشنهاد دارد. این الگو تحول در

سه ضلع مطالعه نظم در قرآن نشان می‌دهد. ابتدا به تحول در «سطح مطالعه نظم» می‌پردازد و بر این باور است که باید سطح مطالعه نظم در قرآن را از «محوریت آیات» به «محوریت سوره‌ها» ترقی یافته. در گام بعد به تحول در مطالعه «نوع مطالعه نظم» می‌پردازد و تلاش کرده تا مدلی از «نظم پیچیده» را به جای یک نوع «نظم ساده» پیشنهاد کند؛ و سومین تحول در «روش مطالعه نظم» و در آن واحدهای لفظی و محتوایی را که قبل از این برمبنای «واژگان و آیه» بوده است را به سطح «پاره متن» ارتقا داده. در این صورت، به جهت تبیین کارآمدی الگوی پیشنهادی در مطالعه نظم در قرآن، نظم در سوره یاسین با این الگو نشان داده شده.

ابوالقاسم اوجاقلو و مکرم محمدنیا کلیمانی (۱۳۹۴)، در پژوهشی با عنوان نگاهی به آموزه‌های قرآن و حدیث درباره‌ی نظم و انضباط در زندگی خاطر نشان کرده‌اند که خصوصیت یک جامعه اسلامی این است که با توسل به آموزه‌های وحیانی، راه‌های رسیدن به فضایل و ارزش‌های اخلاقی را در زندگی فردی و اجتماعی هموار سازد. از جریان‌های مؤثر در زندگی بشری نظم و انضباط می‌باشد. در این مقاله با نگاهی به برخی از آیات قرآن کریم و روایات حاکی از سیره و سخن پیامبر و اهل بیت مطهر علیهم السلام سعی شده است نظم و انضباط را با مفاهیم خطور کننده به ذهن و رایج آن مانند: وجود یک نظام محکم و سنجیده فکری، رعایت انضباط در رفتار و گفتار، ترتیب منطقی و تقدم و تأخر عقلانی و تعادل در امور، و آراستگی در ظاهر و ... اولاً به نظام آفرینش ربط داد و ثانیاً بر اساس همان نظام تکوین، در نظام تشریح نیز در آموزه‌های وحیانی که در قالب توصیه‌های فکری، عقیدتی، اخلاقی، فقهی و حقوقی در دو بعد فردی و اجتماعی از طریق قرآن و حدیث رسیده است، جستجو کرد. از نتایج تحقیق این است که نظم و انضباط به عنوان یکی از شاخصه‌های سبک زندگی مؤمنانه با سایر شاخصه‌ها در ارتباط تنگاتنگ و تعاملی استوار است، که در جای خود به تفصیل آمده. البته قلمرو نظم و انضباط وسیع است.

علی جلالیان اکبرنیا (۱۳۸۶)، در تحقیقی با نام نظم و انضباط اجتماعی در آموزه‌های اسلامی به این نتیجه رسیده‌اند که نظم، ترتیب دادن به هرچیز است. امری که بر عالم تکوین و تشریح حاکم می‌باشد و انسان در مسیر رسیدن به کمال، به آن نیاز مبرم دارد. هدف، برنامه ریزی و مدیریت از عناصر تشکیل دهنده نظم است که در حوزه نظم شخصی و اجتماعی قابل پیگیری است. برای ایجاد این اصل باید دینداری، انگیزه، عدالت، الگوسازی، برنامه ریزی، تقویت سیستم‌های نظارتی، تشویق، تنبیه و تامین نیازهای معیشتی را مدنظر قرار داد.

نتیجه گیری

عالم هستی بر اساس نظم آفریده شده و در آموزه‌های اسلامی نیز سفارش به نظم بسیار گردیده . در این مقاله آیاتی از قرآن و همچنین احادیث و روایاتی از بزرگان دین اسلام بیان گردیده که نشان‌گر اهمیت نظم در امور فردی ، اجتماعی ، سیاسی ، اقتصادی و... می‌باشد . با نگرشی بر سیره‌ی ائمه و اولیای الهی نظم را عامل مهمی در زندگی مادی و معنوی آن‌ها می‌یابیم که عامل اساسی و پیشرفت انسان چه از لحاظ مادی و چه از لحاظ معنوی و ارتقاء سطح انسانی و کسب معرفت و رسیدن به کمال است . اگر در رفتار و گفتار هر فردی صاحب نظم باشد یقیناً از آن نظم فکری کامل الهی هم برخوردار میشود.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

ابن بابویه ، محمد بن علی ، (۱۳۸۵) ، من لا یحضر الفقیه ، ج ۴، ش ۳۵۸۰-۳۵۸۴، انتشارات دار الکتب الاسلامیه ، قم

ابن حجر، الاصابه، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۳۵۶

ابن سعد ، محمد بن سعد (۱۳۹۰) ، طبقات الکبری ، ج ۱، ص ۱۷۰ و ج ۳، ص ۴۵۲ - ج ۲، ص ۳۶ ، انتشارات فرهنگ و اندیشه ، تهران

ابن کثیر، البدایه و النهایه، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ج ۳، ص ۲۷۴

ابی محمد الحسن حرانی ، (۱۳۸۵) ، تحف العقول ، ص ۴۰۹ ، انتشارات آفرند ، تهران

ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب، بیروت، دارالصادر، ۱۴۱۴ق، چاپ سوم، ج ۱۴، ص ۶۳

اسماعیل بن عمر بن کثیر القریشی دمشقی ابو الفدا عماد الدین (۲۰۰۹) ، ج ۵، ص ۷۶ ، البدایه و النهایه ، انتشارات بیت الافکار الدولیه ، بیروت

امام خمینی ، روح الله ، (۱۳۷۹) ، صحیفه نور ، ج ۱۳ ، ص ۱۵ ، انتشارات طبع و نشر ، چ ۲ ، تهران

امام خمینی ، روح الله ، (۱۳۹۱) ، کلمات قصار ، (پند ها و حکمت ها) ص ۱۲۹ ، چ ۱۱ ، انتشارات
موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) ، تهران

برقی ، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۴) ، المحاسن ، ج ۱ ، حدیث ۲۰ ، ص ۱۹۵ ، دار الکتب الاسلامیه
قم ،

□ پل ادواردز، ۱۳۷۱، براهین اثبات وجود خدا در فلسفه غرب، علیرضا جمالی نسب، محمد
محمد رضایی، قم بوستان کتاب، صص ۷۵۶

تمیمی آمدی ، عبد الواحد بن محمد ، (۱۳۹۱) ، غرر الحکم ، ، ج ۱، ص ۲۰۷ ، انتشارات امام عصر
(عج) ، قم

حر عاملی ، محمد بن حسن ، (۱۳۸۷) ، وسائل الشیعه ، ج ۱۶ ، - ج ۱۵ ، ابواب احکام اولاد، باب
۸۲، ص ۱۹۳ ، انتشارات اسلامیة ، قم

حسن زاده آملی ، حسن ، (۱۳۹۲) ، هزار و یک نکته ، نکته ۷۱۶ ، ص ۵۳۹ ، انتشارات رجاء ، تهران
دلشاد تهرانی، مصطفی، سیره نبوی «منطق عملی»، تهران: دریا، ۱۳۸۵، چاپ دوم، ج ۱، ص ۶۵۱

رضوی طوسی ، مجتبی ، (۱۳۹۶) ، براهین اثبات وجود خدا در فلسفه ی غرب قرون ۱۷ و ۱۸ ،
انتشارات دانشکده صدا و سیما ، تهران

راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ المفردات فی غریب القرآن، دمشق بیروت، دارالعلم
الدارالشامیه، ۱۴۱۲ق، چاپ اول، ص ۱۰۳

انتشارات دار المعارف ، قم دعائم الاسلام ، ج ۲، ص ۵۳۸؛ حدیث ۱۹۱۲

دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، واژه انضباط

شهید ثانی ، زین الدین بن علی ، (۱۳۰۶) ، منیة المرید ، ترجمه دکتر سید محمد باقر حجتی ، ص
۴۹۱ - ۴۹۶ . (با تلخیص و تغییر) ، انتشارات المکتب العلمیه الاسلامیه ، تهران

صفی پور، بدالرحیم بن عبدالکریم، منتهی الارب، واژه نظم

طباطبایی ، محمد حسین ، (۱۴۲۷.ق) ، سنن النبی ، ص ۶ و ۲۰ و ۴۸ و ۴۷ و ۵۵ و ۶۱ و ۶۴ و ۶۵ و ۹۷ و ۹۸ ، انتشارات النشر الاسلامی ، قم

طریحی ، فخرالدین؛ مجمع البحرين، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۵ش، چاپ سوم، ج ۱، ص ۳۹

طوسی ، محمد بن حسن ، (۱۴۰۶ق) ، الاقتصاد ، دار الاضواء ، بیروت ، لبنان .

قرائتی، محسن ، یکصد و چهارده نکته درباره نماز، ص ۷۵

قرائتی، محسن ، پرتوی از اسرار نماز، ص ۱۰۹

کلینی ، محمد بن یعقوب ، (۱۳۹۳) ، اصول کافی ، ج ۱، ص ۴۲ ، حدیث ۱۰ ، ج ۳، ص ۱۳۷ ، انتشارات دار الثقلین ، تهران

متقی ، علی بن حسام الدین ، (۱۴۰۹ق) ، کنز العمال ، ج ۱۰ ص ۳۱۴ ، انتشارات موسسه الرساله ، بیروت ، لبنان

محمدی ری شهری، محمد ، میزان الحکمه ، ۱۳۸۸ ، ج ۱، ص ۱۱۹-۱۲۴-۱۶۱ ؛ حدیث ۶۰۲ و ، حدیث ۶۰۵ و ص ۱۱۷ ، حدیث ۵۸۳ و ص ۱۱۶ ؛ حدیث ۵۸۰ و ص ۱۱۷ ؛ حدیث ۵۸۹ و ص ۱۲۳ ؛ حدیث ۶۳۳ ، ج ۲، ص ۲۹۷ و ۷۷ و ۷۶ ، ج ۷، ص ۵۰ ، ج ۸، ص ۱۸ و ۱۳۸ - ، ج ۸، ص ۴۴۸ و ۴۵۱ ، موسسه فرهنگی دارالحدیث ، قم

مجلسی ، محمد باقر بن محمد تقی ، (۱۳۸۵) ، بحار الانوار ، ، ج ۱۶، ص ۲۳۹ ، ج ۷۰، ص ۳۰۸ ، انتشارات فقه ، تهران

مجلسی ، محمد باقر بن محمد تقی ، (۱۳۸۸) ، حلیه المتقین ، ، فصل ۳۰، ص ۳۳ و ۸۳ و ۸۷ و ۹۰ و ۹۱ ، انتشارات مسجد مقدس جمکران ، قم

معین، محمد، فرهنگ معین، واژه نظم

مکارم شیرازی ، ناصر ، (۱۳۸۸) ، تفسیر نمونه ، ج ۲، ص ۲۷۰ ، انتشارات دار الکتب اسلامیه ، قم

واقدی ، محمد بن عمر ، (۱۴۲۰) ، المغازی ، ، ج ۱، ص ۵۶-۵۷-۹۹ ج ۱، ص ۱۳۸ ، ج ۲، ص ۴۶۴ ، ج ۳، ص ۸۹۵؛ مقریزی، امتاع الاسماع، بیروت: دارالکتب العلمیه،

وجدانی، مصطفی، (۱۳۷۸) ، سرگذشت های ویژه از زندگی حضرت امام خمینی ، ج ۴، ص ۴۹ ،
انتشارات پیام آزادی ، تهران